

سالگرد شاعر انقلابی

حوالی روزهای انقلاب در تاریخ ادبیات ایران، سالروز تولد مهرداد اوستا است؛ شاعری که با اشعار انقلابی‌اش و سابقه فعالیت و مبارزه با رژیم شاهنشاهی، یکی از چهره‌های مهم و مبارز ادبیات ایران شناخته می‌شود. به همین مناسبت، یکی از اشعار او را در آستانه سی و نهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی مرور می‌کنیم.

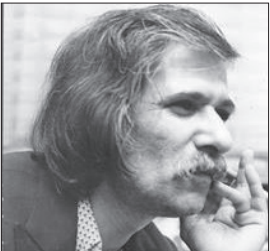
پادگان عشرت آباد و نمایش یک نکته مهم

۳۹ سال پیش و در چنین شبی از خانه بیرون زدم تا ببینم در خیابان‌ها چه خبر است. با ماشین در شهر می‌چرخیدم و اتفاق‌ها را می‌دیدم. خاطر م می‌آید که در حوالی عشرت آباد و پادگان، متوجه گرفتن پادگان توسط مردم شدم. نیروهای انقلابی وارد پادگان شده بودند، عده‌ای پرونده‌ها را بیرون آورده و روی زمین می‌ریختند. عده‌ای به انبار اسلحه حمله کرده و انبار اسلحه را خالی کردند و عده‌ای هم سراغ وسایل سربازان رفته بودند. بیرون از پسادگان هم همچنان سربازانی مشغول مبارزه برای دست گرفتن دوباره پادگان بودند و مردم هم از بالای پشت‌بام‌ها با پرتاب کرن اشیا، در حال کمک به نیروهای انقلابی بودند. شلوغی و به‌هم‌ریختگی که آن شب دیدم هم برایم عجیب بود و هم مرا متوجه نکته‌ای مهم کرد؛ انقلاب مردمی بود و نیروهای انقلابی هم آموزش ندیده. متوجه شدم که این نیروهایی که در جریان گرفتن پادگان این چنین اسناد و مدارک را به خیابان می‌ریزند و وسایل سربازها را از بین می‌برند، نیاز به آموزش دارند. این نیروها قرار بود که در آینده نزدیک اداره امور را در دست بگیرند و همان شب به این نتیجه رسیدم که برای ساختن دوباره این سرزمین باید آموزش‌هایی تازه و جدی داشته باشیم تا بتوانیم آنچه آرمان و وعده انقلاب بود به‌راستی و درستی انجام دهیم.



اعظم طالقانی

Info@etemadnewspaper.ir



سرگشته از بی، آه من، منزل به منزل می‌رود

نی، مهر تابان می‌رود، جان می‌رود، جان می‌رود

آهم به اختر می‌رود، ماهم ز محفل می‌رود

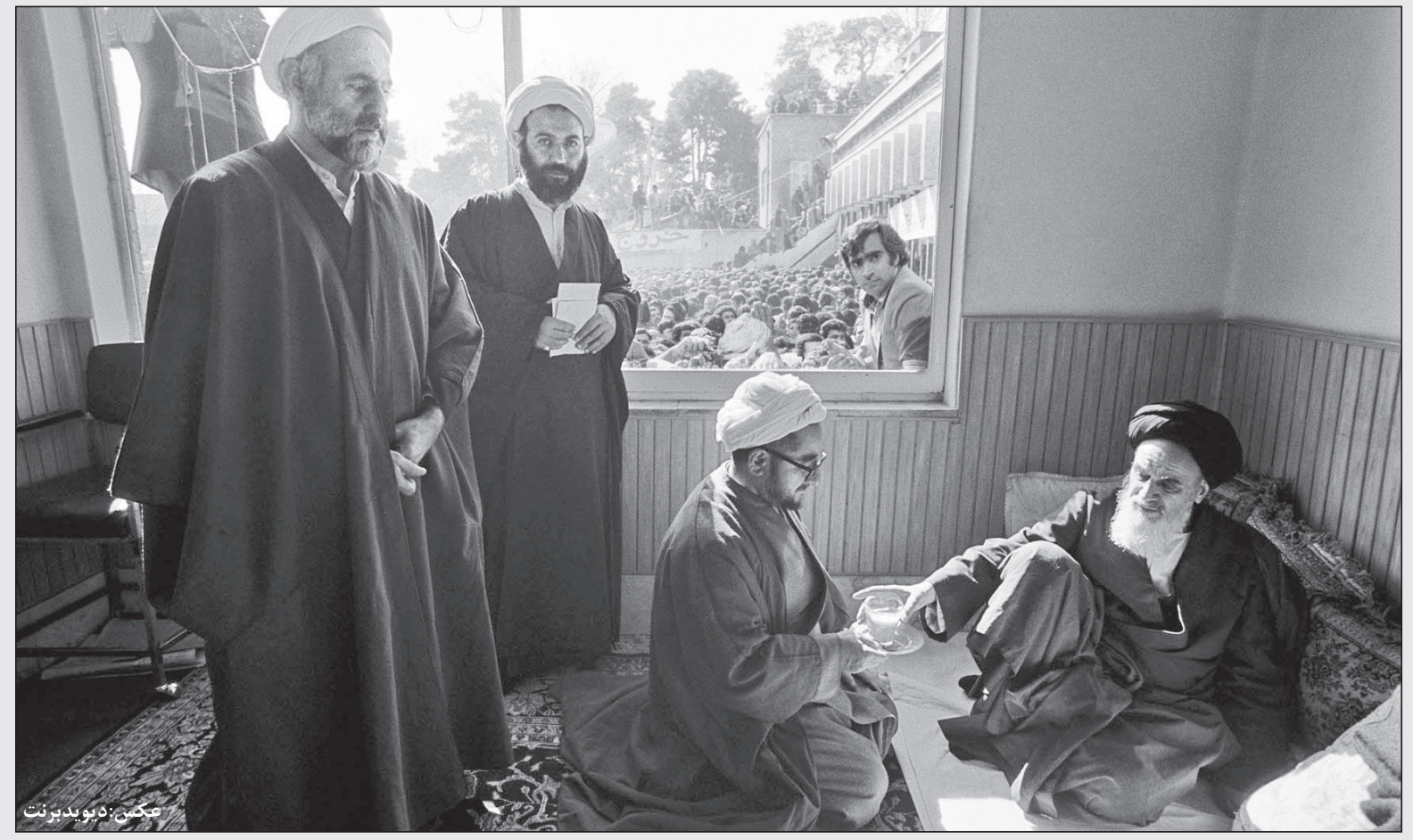
و این کشتی توفان زده، در خرمن ایمان زده

چمدان‌هایی که در هیجان جاماند

مرحوم بهشتی یکی از چهره‌های مهم ستاد استقلال از امام خمینی بود. اما ما به عنوان خانواده ایشان، هیچ امتیازی نسبت به دیگران نداشتیم و روز ۱۲ بهمن همراه ایشان به فرودگاه نترفتیم. روز ۱۲ بهمن من به‌سمت خیابان انقلاب رفتم و دانشگاه تهران. جمعیت بسیار زیادی، بی‌نظمی خاص آنجا جمع شده‌بود. انقدر شلوغ بود که ماشین امام نتوانست متوقف شود و برنامه‌این شد که امام برای سخنرانی به‌بهشت‌زهرابروند. من فقط دشمن ماشین را دیدم و از همان‌جا هم به سمت خانه برگشتم. حوالی عصر بود که رسیدم به خانه. با تعجب دیدم که پدر هم خانه‌است و پای تلویزیون نشسته فکر می‌کردیم که پدر با امام است و احتمالا تا دبروقت هم به خانه نمی‌آید. اما مشخص شد که در جریان ورود امام و رسیدن ایشان به فرودگاه، شلوغ شده و جمعیت زیاد و هیجان زده‌ای در فرودگاه جمع شده‌اند و پدر در لحظه آخر متوجه شدند که بعد از حرکت امام از سمت فرودگاه به خیابان انقلاب، تمام چمدان‌ها و وسایل ایشان در فرودگاه جامانده. کسی حواسشش به چمدان‌ها نبوده و در آن موقعیت هیچانی برنامه‌ای هم برای این وسایل نداشتند. پدر هم چمدان و وسایل را پشت پزؤ ۴۰۴ آبی‌رنگش می‌گذازد و به مدرسه رفاه می‌برد و برمی‌گردد خانه. با این روایت باید تاکید کنم که اهالی انقلاب چنین انسان‌هایی بودند؛ انسان‌هایی بزرگ و خودساخته که همیشه کارهای زمین‌مانده را به‌سامان می‌رساندند و پدر خلاف آنچه دربار ه پدر می‌گفتند به‌دنبال قدرت و موقعیت نبود.



علیرضا بهشتی



انقلاب به روایت گاردین

حالا دیگر تنها یک نفر وجود دارد

دهان‌شان را بینند»

۱۴ بهمن ۱۳۵۷

تور گوود به دنبال شفاف‌سازی سیاست‌هایی که امام خمینی دنبال خواهد کرد، نوشت: «خمینی قصد دارد تنها به عنوان یک روحانی راهنما عمل کند اما با توجه به محبوبیت فراوانش، دشوار است بتواند به این صورت ادامه دهد»

۱۶ بهمن ۱۳۵۷

آیت‌الله خمینی، مهدی بازرگان را به عنوان نخست‌وزیر خود معرفی کرد. ایران در حال حاضر دو دولت و وضعیتی بی‌ثبات دارد.

۲۲ بهمن ۱۳۵۷



تور گوود گزارش داد: «یت‌الله خمینی در نهایت موفق شد قدرت را در دست بگیرد و حالا دیگر تنها یک نفر وجود دارد. بعد از ۴۸ ساعت مبارزه شدید در تهران، در نهایت با استعفاي بختيار و نابودی تاج و تخت، دولت‌شاه سقوط کرد»

۲۵ بهمن ۱۳۵۷

اسلحه‌ها ساکت شدند و شهر غرق در خوشحالی بلور تکرندی است. تور گوود گزارش داد: «این انقلابی است که همه، حتی خود ایرانی‌ها هم غافلگیر کرده‌است.»

۱۰ اسفند ۱۳۵۷

آیت‌الله خمینی به شهر مقدس قم برگشت و خطاب به دانشجویان گفت: «ایران باید جمهوری اسلامی باشد نه دموکراتیک. از کلمه دموکراتیک استفاده نکنید. این یک سبک غربی است. ما به تمدن غربی احترام می‌گذاریم اما از آن پیروی نمی‌کنیم.»

۱۶ اسفند ۱۳۵۷

ملی‌گرایان ادعا می‌کنند وارث مصدق، نخست‌وزیر سابق هستند؛ مردی که سال ۱۳۳۲ در ننگون شد. آنها جبهه دموکراتیک ملی را برای مخالفت با قدرت رو به رشد روحانیون تشکیل دادند. تور گوود گزارش می‌دهد: «بن نخستین نشانه‌ای است که بسیاری از ایرانیان آمادگی پذیرش آنچه در مورد حکومت جدید تصور می‌کردند را ندارند»

اعتقاد

info@etemadnewspaper.ir

www.etemadnewspaper.ir

این نامه اخلاق حرفه‌ای روزنامه اعتماد را در سایت بخوانید

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول:** **الیاس حضرتی**
- چاپ‌نشین مدیرمسئول و رئیس شورای سیاست‌گذاری:** **پهروز بهزادی**
- سر‌مدیر:** **سیدعلی میرفتاح**
- معاون اجرایی:** **حجت طهماسبی**
- مشاور مدیرمسئول:** **محمد حضرتی**
- رئیس سازمان آگهی‌ها:** **علی حضرتی**
- نشانی:** **خیابان ستارخان، خیابان کوثر دوم، پن بست مینو**
- تلفن‌خانه:** **۶۶۱۲۴۰۲۵ – ۶۶۱۲۴۰۲۴ ■ شمار:** **۰۲۱-۶۶۱۲۴۰۲۱**
- توزیع:** **نشر گستر امروز ■ تلفن:** **۶۹۲۳۰۰۰**
- چاپ:** **نشر روزتاب ■ تلفن:** **۴۴۵۴۵۰۷۶**

■ **اذان ظهر:** ۱۲/۱۹ ■ **غروب آفتاب:** ۱۷/۴۱ ■ **اذان مغرب:** ۱۷/۰۰ ■ **اذان صبح فردا:** ۵/۳۱ ■ **طلوع آفتاب فردا:** ۶/۵۶

ساختن سخت است و...

سیدعلی میرفتاح اگر **اوستا** نامه ا هرجا، هر کس فهمیده کارم نوشتن است، سریع کنارم کشیده و صاف توی چشمم نگاه کرده و گفته «بیا قصه مرا بنویس.» میوه‌فروش، چلو‌کبابی، راننده تاکسی، معلم و هر هنر و قماشی که فکر کنید به اقتضای زحمتی که کشیده‌اند و به تناسب چیزی که ساخته‌اند خود را مستحق آن می‌دانند که داستان‌شان جاودانه شود و حکایت‌شان سرزبان‌ها بیفتد. یک بار یکی از قوم و خویش‌هایم، دستم را گرفت و اتاق‌های خان‌هایم را نشان داد و گفت «اینجا را خودم ساختم.م. این دور و بر همه بیابان بود و من دست تنها اجر روی آجر گذاشتم و این خانه را بالا بردم. اهل محل همه وقتی دیدند چراغ اینجا روشن شد یکی یکی پیداشان شد و آمدند و خانه ساختند.» هویت اکثر آدم‌ها به چیزی و جایی است که ساخته‌اند و پدید آورده‌اند. در روزنامه‌نگاری هم آنها که ساخته‌اند نامدار شده‌اند. سال‌ها پیش شمس الواعظین و دوستانش جامعه را منتشر کردند. این روزنامه متفاوت از عادت‌های مرسوم ژورنالیستی بود و باعث شد مردم به آن روی خوش نشان دهند و تیراژ روزنامه بالا برود. البته بنا به دلایلی جامعه و نشاط و طوس دیری نپاییدند و متأسفانه به محاق توقیف رفتند اما نه تنها بر مطبوعات پس از خود تاثیر گذاشتند بلکه در خطرات روزنامه‌نگاران و روزنامه‌خوان‌ها ماندند و اسم‌شان ماندگار شد. ۲۰سال بعد برای آن روزنامه‌ها فیلم مستند ساختند و تصویر گلپهار را به مثابه نمادی از روزنامه‌نگاری آن ایام به نام خود سند زدند. آنها چیزی ساخته بودند که از پس سال‌ها به آن افتخار می‌کردند و با سرلندی و با آب و تاب قصه‌ها را تعریف می‌کردند. من هم حمله مهر را ساخته بدم. از هیچ، اجر روی آجر گذاشته بدم و هفته‌نامه‌ای را به نسبت آن ایام خوش آب و رنگ بالا برده بدم. هم تیراژش خوب بود و هم در مطبوعات صدا کرده بود. هر جایی می‌روم و هر جا صحبت پیش می‌آید بیشتر مرا به مهر می‌شناسند تا به چیز دیگر. کرگدن هم از همین جنس است. مهر نماد، خدا کند کرگدن بماند... عرض من این است که هویت ما به چیزها و جاهایی است که ساخته‌ایم، گاهی هم به چیزها و جاهایی که خراب کرده‌ایم. خراب کردن را دست کم نگیرید. بعضی چیزها را به راحتی نمی‌شود خراب کرد. خیلی‌ها خواستند تخت‌جمشید را خراب کنند. آتش زدند، با کلتک به جانش افتادند

اما کاری از پیش نبردند. بعد از دو هزار و پانصد سال همچنان در وسط بیابان ستون‌های سنگی باشکوه و با عظمت پابر جایند. خلفای عباسی چندین گروه گسیل کردند که ایوان مدائن را از بیخ و بن بکنند و با خاک یکسان کنند. نشد. نتوانستند. مثل بیستون که هنوز هست، مثل مجسمه‌های عظیم‌الجنه بودا که طالبان هر چه زور زدند از پس‌شان برنیامدند. زخم‌شان زدند، با دینامیت به جان‌شان افتادند، آسیب جدی زدند اما بودای بامیان همچنان بسودای بامیان در دل کوه نشسته است. می‌خواهم بگویم خراب کردن کوه همچو آسانی نیست. بعضی چیزها و جاها انقدر مقاومند که نه زمان، نه کلتک و نه باروت می‌چکدام از پس‌شان بر نمی‌آیند. این حرف را اولین بار از مریم فیروز شنیدم که خراب کردن و ساختن به همین آسانی نیست. بعد از آنکه سختی کشیده بود و از زندان آمده بود. در جواب مصاحبه‌گر که از انقلاب و امام‌خمینی پرسیده بود گفت فکر کردی مضمحل کردن دوهزار و پانصد سال سلطنت به همین آسانی است؟ او توده‌ای بود. بعد از انقلاب هم با شوهرش به زندان افتاد و تحقیر شد. دختر فرامرز، ناز نورالدین کبایوری به زندان افتاد و تحقیر شد. در زندان که حلوای خیر نمی‌کنند. حتما به او بد گذشته و زجر دیده. مع‌ذکب به کسی که بسا او گفت‌وگو می‌کرد گفت خراب کردن دوهزار و پانصد سال سلطنت مگر به همین آسانی است؟ ما به امام خمینی می‌گویم بنیانگذار جمهوری اسلامی. برای او عنوان به کار می‌بریم؛ یکی رهبر، یکی هم بنیانگذار. این هر دو به زمره کارهای سخت و نشدنی‌اند و کسی که موفق به آنها بشود شایسته تکریم و تعظیم است. به اول مطلب نگاهی دوباره بیندازید. ما یک خانه ساده و آشکوبه می‌سازیم؛ عمری با آن یز می‌دهیم و سازه‌ها را به هویت‌مان گره می‌زنیم. بنایی را می‌گویم و جایش بنای دیگری می‌سازیم، تا زنده‌ایم به خودمان حبذا و آفرین می‌گویم. اصلا کار ندارم که انقلابی هستی یا ضد انقلاب. کار ندارم این‌طرفی هستی یا آن‌طرفی. عرض من این است که اگر بخواهیم از سر انصاف نگاه کنیم باید در برابر پیرمرد عارف‌پیشه تبعید شده به نجف، تمام‌قد باسپتیم و کلاه از سر برداریم و انصاف بدهیم که او کاری عظیم کرده است. نه تنها بنای دوهزار و پانصد ساله را ویران کرد بلکه نظامی از نو پایه گذاشت... اگر می‌خواهید بفهمید این کار چقدر سخت بوده تاریخ این ۴۰سال را مرور کنید.

جنگ شد، ترور ریست‌ها تا توانستند کشتند و منفجر کردند و آتش بسا کردند. بین مسوولان رده بالا نزاع و درگیری شد. خیلی از عادت‌ها زمان شاه زور زدند تا دوباره برگردند، دشمن خارجی هم کم زور زد تا این بنای تازه بالا آمده را با خاک یکسانش کنند... عمارت آئند در شبلی را مگر فرو نریختند؟ عمارت مصدق را مگر یک‌شبه با آتش نکرند؟ عمارت ناصر را مگر به دست سادات ندادند؟ الجزایر مگر به مدار سابقش برنگشت؟ اما می‌رمد بنیاد برافکند که لاقل تا اینجا کار کسی زورش به آن نرسیده، از من بپرسید می‌گویم بعدا هم کسی زورش نخواهد رسید؛ البته به شرط‌ها و شروطها...



طرح: دو دیو سو تر، مجله تایم، ادا ۱۳۵۷

انقلاب مظلوم است

عینا بر اصولی که ۴۰ سال پیش مترقی و مقبول همه جامعه ایرانی بود پافشاری کرد. دلیل این را نسل جدید نمی‌فهمد
خواست‌ها و آرمان‌های اولیه هم وقتی مقبول می‌افتد که باندها و واقعیت‌های جامعه انطباق داشته‌باشد. مردم در دهه ۵۰هه این قناعت رسیده بودند که انقلاب منافع مادی و معنوی آنان را پاس‌تخو خواهد بود. شکل حفاظت از منافع مادی و معنوی همیشه متغیر است. اگر این تغییر اعمال نشود، منافع مردم و آرمان اولیه انقلاب اسلامی هم محومی شود

انقلاب مظلوم است چون داده‌های ارایه شده به نسل حاضر متناقض است. فضای مونولوگ در سطح جهانی به دیالوگ تبدیل شده. ده‌ها مرکز رسمی که از بیت‌المال و پول ملت تغذیه می‌شوند تا انقلاب و اسلام را معرفی کنند اصلا به دیالوگ باور ندارند و شاید اکثرا ابلد نیستند دیالوگ کنند. ۴۰ سال است با پول مردم بیانیه‌های غیر قانع‌کننده منتشر می‌کنند و اگر هم جامعه آن را نتواند بپذیرد، به وابستگی به بیگانه‌های می‌کنند و خلاصی و برای سال‌های بعدی هم تقاضای بودجه جدید می‌کنند تا همان بیانیه‌های قبلی را منتشر کنند. انقلابی مظلوم که در ایران و در این منطقه جغرافیایی انجام شده‌است.

انظله‌ای که منافع همه دنیا در این نقطه از جهان به هم گره می‌خورد، مهم‌ترین نفت است. هیچ قدرتی نمی‌تواند از این منطقه بگذرد. طمع‌های تاریخی قدرتمندان جهانی و مقاومت بعد انقلاب در برابر آنها و البته متفاوت بودن و مقاوم بسودن ایران در برابر قدرت‌های جهان همه باعث شده تا در یک محاصره دشمنی جهانی قرار بگیریم.
و انقلاب مظلوم است چون مردان میانسال ابتدای انقلاب هنوز بر مرکز اصلی اجرایی و مدیریتی کشور در سطوح مختلف تصمیم گیر هستند و سخن نسل معاصر را نمی‌فهمند.



محمدعلی ابطحی

باور کنید خود انقلاب مظلوم‌تر از همه چیز است. نمی‌دانم اگر بگویم انقلاب اسلامی در سی‌ونهمین سالگردش بیش از هر صفت دیگری، صفت مظلومیت دارد، قبول می‌کنید یا نه؟ من بر این باورم. با یکی دو تا دلیل نه؛ با دلایل فراوان. از یکی دو جهت نه؛ از همه سو. اصل انقلاب علیه رژیم گذشته در سال ۵۷ یک صفت عمومی بود. اصلا یک خواست همگانی بود مگر می‌شود یک ملت اشتباه کنند؟ حتی فریختگان و شاعران و دانسان نویسان و قلم‌رزان که حتی از سال دوم پس از انقلاب تاکنون مخالف تند انقلاب شدند هم در موقع بروز انقلاب براندازی علیه رژیم گذشته یک خط مخالفت نتوشستند. این از اصل انقلاب. حوادث تاریخی را هم نمی‌شود خارج از ظرف زمانی آن بررسی کرد. اما شاید کسی از آدم‌هایی را که عمرشان به انقلاب قد می‌دهد هم نشود پیدا کرد که باور داشته باشند آنچه اتفاق افتاد یا در حال اجراست، همان خواست‌ها و آرمان‌هایی است که برای آن انقلاب کردند.

اما چرا انقلاب مظلوم است؟ انقلاب مظلوم است چون در رسانه‌های رسمی فعلی به جای آنکه به آرمان‌های مترقی انقلابیون اشاره شود، سعی می‌کنند به خاطر تعریف از وضع موجود، اتفاقات فعلی را و سیاست‌های موجود را اصل قرار دهند و با هزار وصله پینه بگویند در ابتدای انقلاب آرمان‌های مردم هم این بوده‌است. کاری که نتیجه‌اش فقط قضاوت ناصحیح در مورد انقلاب و نسل انقلابی می‌شود. انقلاب مظلوم است چون مهربان‌ترین و کم‌قربانی‌ترین انقلاب جهانی بود. حتی به لشکر حکومت نظامی گل دادند. رهبرش تا آخر اجازه جدی جنگ مسلحانه نداد. اما از فرای انقلاب هر خشونت‌ی را به نام رفتار انقلابی معرفی کردند. انقلاب مظلوم است چون گمان می‌کنند باید